

## ماهیت و عناصر شکل دهنده تجری و انواع آن\*

سیدعلی پورمنوچهری\*

چکیده :

تجری اقدام به عمل برخلاف حجت منجز است بی آنکه خلاف و معصیتی صورت پذیرد. در این مقاله به ماهیت و عناصر شکل دهنده و انواع تجری اشاره شده است. سوالات اصلی نوشتار این است که آیا تجری صرفاً در قصد مخالفت با دستورات الهی و داشتن نیت معصیت محقق می شود و یا در قصد موافقت و داشتن نیت انجام عمل حلال و مباح و عمل برخلاف احتیاط هم واقع می شود؟ عوامل مؤثر در عدم اصابت به واقع چیست؟ آیا تجری صرفاً در مخالفت با قطع تصور می شود و یا در مطلق مخالفت با حجت هم معنا پیدا می کند؟ هدف از این تحقیق تبیین مفهوم تجری و ساختار پدیدارشناسی این اصطلاح و بیان مصادیق و انواع مختلف آن است. فرضیه تحقیق عبارت از این است که ماهیت تجری در مطلق مخالفت کردن با حجت است اعم از آن که قصد مخالفت با آن حجت و انجام گناه و خلاف را داشته باشد و یا حتی قصد موافقت با آن را داشته و به نیت انجام حلال و مباح آن عمل را انجام می دهد ولی برخلاف حکم احتیاط رفتار نموده باشد هرچند که عملش به واقع اصابت نکرده است و آنچه در عدم اصابت به واقع در تجری مؤثر است عبارت است از: اشتباه انصراف عوامل خارج از اراده متجری و تجری در مطلق مخالفت با حجت اعم از قطع و ظن و شک تحقق پیدا می کند.

**کلیدواژه:** تجری ، مخالفت با حجت، عدم اصابت به واقع ، اشتباه

بسیاری از فقها به آن اشاره کرده‌اند و یا قصد موافقت با دستورات خداوند داشته باشد و نیتش انجام حلال و مباح باشد و در عمل اقدامش بی مبالاتی و جسارت در جهت انجام گناه تلقی شود.

### تفاوت و شباهت تجری با معصیت:

در معصیت، شخص عاصی مرتکب عملی می‌شود که در خارج و نهایتاً مخالف با دستورات و تکالیف است. وجه تفاوت تجری با معصیت در آن است که در تجری مخالفت با حجت فعلی صورت می‌گیرد هر چند که به واقع اصابت نکرده است برخلاف معصیت که در آن در واقع مخالفت حاصل شده است و عمل انجام شده در واقع امر، گناه بوده است و وجه شباهت تجری با معصیت در عمل برخلاف حجت منجز و بالفعل است.

### تفاوت و شباهت تجری با انقیاد:

انقیاد، اقدام به انجام اعمال و رفتاری است که به قصد اطاعت و موافقت با خداوند صورت گرفته، حال آن که نسبت به عمل انجام شده دستور و تکلیفی از جانب شرع وجود ندارد، مثل این که به قصد انجام واجب، عملی را انجام می‌دهد حال آن که آن عمل فاقد تکلیف‌الزامی است و نیز اگر بداند عملی در ظاهر واجب نیست اما از باب احتیاط آن را انجام دهد باز هم صدق انقیاد می‌کند. بنابراین وجه مشترک انقیاد و اطاعت، توجه و حرکت براساس موافقت با دستورات الهی و وجه افتراق آن دو مخالفت و موافقت با واقع است

### مفهوم متجری به:

چه بسا به صرف نیت انجام فعلی که مخالفت به حساب می‌آید، عنوان تجری صادق باشد، اما به‌طور معمول، تجری با ترک فعل یا انجام عملی همراه است که به آن امر وجودی یا عدمی متجری به گفته می‌شود. امر وجودی مثل اقدام به قتلی که به قتل منجر نشود و امر عدمی مثل اقدام به ترک معالجه به نیت قتل وقتی به قتل منجر نشود.

## عناصر شکل دهنده تجری

بنا بر آنچه در تعریف تجری گذشت می‌توان گفت: صرف نظر از کاربرد کلمه‌ی تجری، آنچه در تکوین این پدیده دخالت دارد عبارت است از دو عنصر مخالفت با حجت و عدم اصابت به حرام واقعی این دو عنصر به عنوان دو رکن، ماهیت تجری را شکل می‌دهند.

### منظور از مخالفت با حجت:

آنچه در شکل‌گیری پدیده تجری مؤثر است مخالفت با حجت بالفعل است، یعنی هر دلیلی که می‌تواند متعلق خود را اثبات کند. بنابراین تنها مخالفت با قطع در شکل‌گیری تجری لازم نیست، بلکه مخالفت با هر حجت دیگری که بر مکلف منجز شده است حتی در قالب امارات و اصول علمیه نیز در تحقق تجری مؤثر است.

### عوامل عدم اصابت به واقع:

عناصر دیگر در شکل‌گیری تجری، عدم اصابت اقدام انجام شده به واقع است، یعنی اگرچه اقدام کننده در صدد انجام معصیت و تحقق جرم و جنایت بوده است و قصد مخالفت با دستورات الهی و ارتکاب جرم را داشته است، اما بنا به علل یا عواملی اقدامش به حرام و جرم اصابت نکرده است. اما علل و عوامل مختلفی می‌تواند اقدام او را نافرجام گذارد که به شرح آن می‌پردازیم:

### عامل اول: اشتباه

اشتباه از عواملی است که در عدم اصابت به واقع مؤثر است یعنی برخی مواقع فعل متجری بر اساس اشتباه به واقع اصابت نمی‌کند. منشأ این اشتباه نیز متفاوت است. گاهی اشتباه حکمیه است و گاهی اشتباه موضوعیه.

### اشتباه حکمیه:

گاهی تجری از این جهت که حکم موضوعی را نمی‌دانسته فعلش اصابت به واقع نمی‌کند مثلاً شغل صرافی را به اشتباه حرام می‌دانسته و به آن اشتغال ورزیده است درحالی‌که این شغل



شغلی است مجاز و مباح و بر او روشن می‌شود شغلی را که حرام می‌دانسته است اشتغال به آن جایز و مباح بوده است و یا به حرمت شرب توتون قطع داشته است و از آن استفاده می‌کند در حالی که در واقع حرام نباشد. (حسینی روحانی، زبده الاصول، ۲۲، ۳)

Archive of SID

### اشتباه موضوعیه:

گاهی متجری از این جهت که در مصداق و فرد خارجی اشتباه می‌کند فعلش اصابت به واقع نمی‌کند مثلاً مایع مباحی مثل شربت آلبالو را به جای شراب می‌نوشد. (زین الدین، کلمه التقوی، ۲، ۳۱۳) به قصد انجام حرام و شراب‌نوشی و نیتش به واقع اصابت نمی‌کند و منشأ عدم اصابت فعل او به واقع شبهه موضوعی و اشتباه در مصداق بوده است.

### عامل دوم: انصراف یا عامل درونی

انصراف نیز از عواملی است که در عدم اصابت به واقع مؤثر است یعنی در برخی موارد فعل متجری بر اساس پیشمانی متجری از ارتکاب عمل در اثر توبه و عوامل درونی به واقع اصابت نمی‌کند. در انصراف آنچه متجری را از انجام عمل خلاف و مجرمانه باز می‌دارد تحول و ندامت در دل و قصد است مثلاً او اقدام به قتل و یا سرقت می‌کند و تا مرز انجام گناه پیش می‌رود اما در اثر توبه اقدامش را ناتمام رها می‌کند و از فعل خود منصرف می‌شود و لذا فعلش به واقع اصابت نمی‌کند.

### عامل سوم: عوامل بیرونی یا خارجی

عوامل بیرون از اراده متجری نیز در عدم اصابت به واقع مؤثر هستند یعنی در برخی موارد فعل متجری بر اساس عواملی خارج از اراده متجری که خواهان انجام گناه و فعل مجرمانه است به واقع اصابت نمی‌کند عوامل خارجی هم متفاوت هستند. گاهی به عقیم ماندن نتیجه است و گاهی به محال بودن وقوع حرام.

### عقیم ماندن نتیجه:

گاهی متجری تلاش می‌کند که به فعل حرام دست پیدا کند اما با این که امکان وقوع فعل حرام وجود دارد ولی به علت نداشتن مهارت لازم و یا بی‌دقتی و یا عجله و شتاب بیش از حد

تلاش او به نتیجه نمی‌رسد و مثلاً شلیکش به خطا می‌رود و به هدف اصابت نمی‌کند و علت عدم اصابت فعل او به واقع خارج از اراده اوست. مثل ناآشنائی با تنظیم دوربین تفنگ و شلیکی که به خطا می‌رود. مثل عدم تنظیم دقیق زمان بمب کار گذاشته شده و انفجاری که به هدف نمی‌زند.

### محال بودن وقوع حرام یا عدم قابلیت مورد:

گاهی امکان وقوع حرام و فعل مجرمانه به جهت عدم قابلیت ابزار استفاده شده و یا فرد و یا شیء هدف وجود ندارد مثلاً به علت بهره نگرستن از ابزار کارا و مفید و استفاده از فشنگ غیر واقعی و یا چاقوی کند و یا به علت فوت شدن مصدوم پیش از اصابت فعل مجرمانه و یا به علت مردن وی در اثر ضربات دیگری پیش از اصابت فعل مجرمانه امکان انتساب قتل و فعل مجرمانه به متجری وجود ندارد. یا به علت خالی بودن صندوق پول و جواهرات امکان انتساب سرقت و فعل مجرمانه به متجری وجود ندارد و مثل استفاده از اسلحه با برد کم و اصابت نکردن به فردی که در مسافت دور قرار دارد و لذا اقدامش به هدف اصابت نمی‌کند و این عوامل خارج از اراده متجری است و وی در جهت انجام عمل مجرمانه تلاش کرده‌است.

### کاربرد تجری و انواع آن

تجری در مخالفت با دلیل منجز شرعی و عقلی شکل می‌گیرد، جائی که تکلیف به دلیل منجز بر فرد مستقر شود و با این دلیل مخالفت شود و این مخالفت به واقع اصابت نکند بر این اساس تنها در مخالفت با قطع پدید نمی‌آید بلکه مخالفت با هر دلیلی که اعتبار و تنجز لازم را در استنباط احکام داشته باشد در شکل‌گیری تجری مؤثر است.

بنابراین طرح بحث تجری اختصاص به مبحث قطع ندارد و در تمام امارات معتبر و اصول عملیه نیز مطرح می‌شود حتی در فرض علم‌اجمالی به تکلیف و شبهات بدوی پیش از فحص نیز قابل طرح است و جامع همه این مباحث مخالفت حجت یعنی هرآن چیزی است که بوسیله آن مولانا [www.sid.ir](http://www.sid.ir) احتیاج می‌کند و از این جهت اگر با بینه و یا استصحاب ثابت شود که مایعی خمر است آن را بخورد درحالی که خمر نباشد متجری است و یا اگر در فرض احتمال حرام احتیاط نکند



و مرتکب آن شود درحالی آن فعل حرام نباشد متجری است و به این علت که مباحث قطع  
ظاهرترین حجت‌ها است موضوع تجری در آن مطرح شده است. (خوئی، مصباح الاصول، ۲، ۱۸)  
و لذا می‌توان بحث تجری را در مباحث، قطع، علم اجمالی، اماره، مقدمه حکم الزامی چه در  
قالب فعل مقدمه حرام و چه در قالب ترک مقدمه واجب و نیز شبهات بدوی قبل از فحص دنبال  
کرد و در واقع این مباحث انواع مختلف بحث تجری را بوجود می‌آورند. در ذیل به بررسی موارد  
کلی تحقق تجری در مخالفت با انواع دلیل منجز می‌پردازیم.

### اول: مخالفت با قطع

منظور از قطع صفتی است که بر نفس انسان عارض می‌شود و توسط آن می‌توان به حکم  
یا موضوعی علم پیدا کرد بگونه‌ای که هیچ وجه مبهمی در ارتباط با آن حکم و موضوع برای قاطع  
وجود نداشته باشد و اعتبار و حجیت آن ذاتی است و به حکم عقل اطاعت از آن لازم است و شرع  
نمی‌تواند حجیت آن را نفی یا اثبات کند. (مظفر، اصول الفقه، ۲۶، ۳-۲۱)

در واقع حجیت لازمه ذاتی قطع است و امکان انفکاک از آن وجود ندارد و لذا بذاته مستلزم  
حجیت و منجزیت است. (صدر، دروس فی علم الاصول، ۱۷۸، ۱-۱۷۳)

بحث تجری بیشتر در ذیل مباحث مربوط به قطع عنوان شده است یعنی جایی که قاطع با  
قطع مخالفت کند و از حکم عقل نسبت به موافقت قطع حاصل شده نسبت به حکم منجز  
سرپیچی و مخالفت کرده و دستور آن را در تبعیت و اطاعت نشنیده بگیرد. حال اگر آنچه که به آن  
قطع پیدا کرده موافق با واقع باشد بدون هیچ شک و شبهه مستحق مذمت و عقاب و مجازات  
است زیرا با واقع مخالفت کرده است و عمل مخالف با واقع عصیان و معصیت است نه تجری و از  
محل بحث خارج است. اما اگر آنچه که به آن قطع پیدا کرده مخالف با واقع باشد بحث تجری  
مطرح می‌شود. مثلاً به شراب بودن محتویات لیوانی قطع دارد و از آن مصرف می‌کند در حالی که  
آب آلبالو بوده است و یا به عدم تجهیزیتی قطع دارد و اهمال کرده، او را تجهیز نمی‌کند در  
صورتی که تجهیز شده است. (حیدری، اصول الاستنباط، ۱۵۶)

## دوم: ترک احتیاط در ارتکاب اطراف علم اجمالی

منظور از علم اجمالی درجائی است که به حکم یا موضوعی علم داشته باشد ولی متعلق علم او به شک و شبهه بیامیزد اجمال به متعلق علم راه یافته است نه آن که در خود علم راه پیدا کرده باشد زیرا در ذات علم شک و شبهه راهی ندارد.

بر مبنای تنجز علم اجمالی از آنجاکه علم اجمالی دارای حجت و اعتبار است، پیروی و تبعیت از آن لازم است و مخالفت جایز نیست. حال اگر خلاف علم اجمالی عمل کند و اتفاقاً در واقع مخالفتی با حکم واقع صورت نگرفت، می توان گفت عنوان تجری صادق است چراکه بنا به فرض برخلاف حجت عمل کرده و اتفاقاً مخالفتی هم صورت نگرفته است و لذا "در این گونه شبهات یعنی شبهان مقرون به علم اجمالی که وظیفه احتیاط است." (حسینی روحانی، زبده الاصول، ۳، ۲۵۸-۲۵۶) ترک احتیاط و اقدام به انجام عمل، اقدامی متجربانه محسوب می شود در جائی که عملش به واقع اصابت نکند. مثلاً اجمالاً به نجاست یک ظرف از میان چند ظرف علم دارد و وظیفه احتیاط خود را ترک کرده و اقدام به استفاده از آن می کند هر چند که اقدامش به واقع اصابت نمی کند و لذا مخالفت کردن با چنین علم اجمالی و استفاده از آنها و یا نماز خواندن در آنها، اقدام به عمل غیر ماذون از طرف شارع است. (خوئی، کتاب الاجتهاد و التقليد من التنقیح فی شرح العروه الوثقی، ۳۰۱)

یا در صورت علم اجمالی به مسائل شکیات نماز و ترک احتیاط و بی اعتنایی در فراگیری آنها و انجام عملی که به معصیت منجر نشود. (اردبیلی، مجمع الفائدة و البرهان، ۳، ۱۸۷ و ۱۸۸)

یا در صورت علم اجمالی به فوت شدن جزئی از نماز از طرف او و ترک احتیاط نسبت به تدارک آن جزء در نماز و یا پس از نماز درحالی که در واقع چیزی از او فوت نشده باشد. (انصاری، احکام الخلل فی الصلوه، ۹، ۲۷۱)

و یا در صورت عمل اجالی به از دست رفتن چند نماز که مقدار آنها را نمی داند و ترک وظیفه احتیاط درحالی که در واقع نمازی بدهکار نباشد. (همدانی، مصباح الفقیه، ۲۶۲۱)

با د علم اجمالی به مطلق یا مضاف بود تنها آبی که در اختیار اوست بدون حالت سابقه برای آن آب و ترک وظیفه احتیاط در جمع وضو و تیمم درحالی که اقدام او به معصیت منجر نشود. (صدر،



### سوم : مخالفت با اماره :

اماره طریق اثبات احکام واقعی است که برای جاهل به حکم واقعی جعل شده است و ویژگی آن عدم حجیت ذاتی است و در صورتی که عقل یا شرع حجیت و اعتبار آن را کامل و تمام گرداند طریقت آن اثبات می شود و لذا طریقت آن عَرْضی است. بر مبنای اعتبار و حجیت اماره، با وجود چنین دلیلی حجت تمام است و وظیفه شخص عمل به مفاد چنین دلیلی است. بنابراین در عمل کردن بر خلاف بینه که در مفسده مخالفت واقع قرار می گیرد معذور نیست. (خوئی، مصباح الاصول، ۲، ۱۶۴) بنابراین در صورتی که مکلف با مؤدای اماره مخالفت کند یعنی نسبت به حکمی که از اماره دلیل اجتهادی برای او حاصل می شود مخالفت کند زمانی که ظن خاص او با واقع مطابقت نکند، تجری شکل می گیرد. "از این جهت که فرد بر تکلیف خود که به واسطه ظن معتبر بر او منجز شده است، مخالفت کند هر چند این مخالفت به واقع اصابت نکند، مرتکب عنوان تجری شده است." (روزدری، ۳، ۳۶۷) و همچنین بر مبنای اعتبار و حجیت خبر واحد معتبر نقل حکم از معصوم آن را در حق مکلف حجت قرار می دهد و لذا وظیفه او عمل به مفاد چنین دلیلی است و ترک این وظیفه اخلال به غرض شارع است. (حکیم، حقائق الاصول، ۲، ۱۳۵) زیرا بر اساس سیره عقلاً چنین خبری طریق به واقع و حکم شرعی است (خمنی، الاجتهاد و التقليد، ۱۲۴-۱۲۲\_ موسوی بجنوردی، منتهی الاصول، ۱، ۱۸۵) و ترکی که به معصیت منجر نشود تجری را محقق می کند لذا بی اعتنایی به آن و عمل بر اساس اصول جایز نیست. (طباطبایی بروجردی، لمحات الاصول، ۴۷۴) و اگر عمل برخلاف اماره به واقع اصابت نکند تجری محقق می شود.

اگرچه برخی فقهاء از مخالفت حکم ظاهری تعبیر به تجری نکرده اند، بلکه مخالفت با احکام ظاهری در شبهات حکمیه را معصیت به حساب آورده اند. (آشتیانی، کتاب القضا، ۷۲-۶۹) ولی مطابق مبنای مشهور اگر خلاف اماره عمل کند و اتفاقاً در لوح واقع مخالفتی با حکم واقعی صورت نگیرد عنوان تجری صادق است و حتی به صراحت از مخالفت حجت در فرض آن که به واقع مصادفت نکند به تجری تعبیر شده است. (موسوی بجنوردی، فقه تطبیقی بخش جزائی، ۱۱۲)



## چهارم: مخالفت با مفاد اصول عملی مثبت تکلیف

به همان ملاک پیش گفته در باب امارات، در خصوص اصول عملی نیز از آنجا که حجت بر تکلیف واقع می‌شود مخالفت آن جایز نیست و بر فرض آن که این مخالفت در حد مخالفت اصل عملی مثل استصحاب و عمل به حکم یقین سابق باقی بماند و به مخالفت واقع نینجامد، عنوان تجری بر فعل شخص صادق است. مثلاً بر یقین سابق خود بر نجاست، استصحاب می‌کند و با همان حال نماز می‌خواند در حالی که نجس نبوده است.

## پنجم: ترک احتیاط در شبهات بدوی قبل از فحص

منظور از شبهه بدوی شبهه‌ای است که با علم اجمالی به تکلیف توأم نیست و لذا هرگاه علم و ظن به حکم یا موضوعی نداشته باشیم ابتدا وظیفه در احتیاط به فحص از ادله است تا علم و ظن حاصل شود و اگر پس از فحص در شک باقی ماندیم موضوع اصول عملیه مطرح می‌شود تا حکم ظاهری استنباط شود.

اگر شخص نسبت به انجام وظیفه خود در فحص از دلیل کوتاهی کرد و به حکم منجز عقل، دال بر احتیاط بی توجهی کرد، درجائی که فعلش با واقع مصادفت نکند مرتکب تجری شده است مثلاً در شبهه حرمت تراشیدن ریش و یا ساختن مجسمه، بدون فحص حتی به احتمال جواز آنها مرتکب این اعمال شد، در صورتی که معلوم شود آن اعمال ناپسند نبوده است، عنوان تجری بر آن صادق است.

طبق بیان شیخ، کسی که قادر بر یادگیری احکام بوده و کوتاهی کرده به چند دلیل معذور نبوده و مؤاخذه او قبیح نیست:

۱- اجماع بر عدم جواز اصل براءت پیش از فحص در شبهات حکمیه، ۲- علم اجمالی به وجود بسیاری از واجبات و محرمات، ۳- ادله دال بر وجوب تحصیل علم مثل آیه نفر و آیه سؤال از اهل ذکر و احادیث دال بر وجوب تحصیل علم و وجوب تفقه و مذمت ترک سؤال، ۴- ادله دال بر مؤاخذه جهال در انجام معاصی مجهول که مستلزم وجوب تحصیل علم است و مثل آنچه که در تفسیر آیه، فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ وارد شده، که در روز قیامت از انسان سؤال می‌شود: آیا علم به گناه

داشتی؟ اگر بگویند بله گفته می‌شود چرا عمل نکردی؟ و اگر بگویند خیر، گفته می‌شود چرا ندانستی

تاعمل کنی؟ (انصاری، فرائد الاصول، ۲، ۴۱۵-۴۱۲)

### Archive of SID

و همان گونه که تمسک به عام قبل از فحص از مخصص را جایز نمی‌دانند به حکم عقل، بحث حجیت اصول عملیه را هم قبل از فحص از دلیل نمی‌پذیرند، زیرا وظیفه انسان را فحص از تکالیفی می‌دانند که مولا برای هدایت او تشریح کرده است و عقل انسان را در مخالفت تکلیف، معذور نمی‌بیند مگر پس از فحص به مقدار لازم و با عدم دسترسی به دلیل و تکلیف. (نائینی اصفهانی، اجودالتقریرات، ۴۸۹-۱، ۴۸۱-۲ \_ خمینی، انوارالهدایه، ۴۳۱، ۲-۴۱۱ \_ خمینی، تحریرات فی الاصول، ۲۹۶-۵، ۲۹۱)

زیرا در شبهات عقل قبل از فحص به لزوم احتیاط حکم می‌کند و برائت بدون فحص از نمی‌پذیرد به دلیل آن که علم اجمالی به وجود تکلیف الزامی حتی در شبهات هم وجود دارد و این علم تنها با فحص برطرف می‌شود به علاوه وظیفه بندگی اقتضا می‌کند که حتی در شبهات هم برائت از تکلیف مورد اعتماد نباشد مگر پس از فحص. در نتیجه به حکم عقل پیش از فحص، با توجه به علم اجمالی به وجود تکالیف الزامی در شبهات بر طبق وظیفه‌ای که بر انسان مستقر شده انجام احتیاط لازم و ضروری است. (نائینی اصفهانی، فوائد الاصول، ۳۳۰، ۳)

لذا شک و شبه توجیهی برای فرار از تکلیف نیست چه احتمال موافقت با واقع مطرح باشد و چه چنین احتمالی مطرح نباشد و در صورتی که پیش از فحص احتیاط نکرده و عملی را انجام دهد به معصیت یا تجری منجر می‌شود.

در نتیجه پذیرش حکم برائت مشروط به فحص و تاس از دستیابی به دلیل عمل و ظن است و نمی‌توان به صرف داشتن شک و پیش از جستجو حکم برائت را پذیرفت زیرا تنها طریق انحلال عمل اجمالی به وجود تکلیف در شبهات حکمیه انجام فحص و جستجو است و فحص علم اجمالی را یا تبدیل به علم تفصیلی و تنجز تکلیف به دلیل علم و اماره می‌کند و یا تبدیل به شک بدوی و پذیرش اصل برائت به علاوه اخبار دال بر وجوب تعلم می‌فهماند که شک بدون فحص و جستجو و یادگیری (تشریحی) پذیرش اصل برائت محسوب نمی‌شود. (صدر، دروس فی علم الاصول، ۱، ۳۵۵)

و بنا به مسلک حق الطاعه به حکم عقل اصل بر اشتغال و احتیاط است تا زمانی که برائت شرعی



اثبات شود و لذا احتیاط فحص از وجود تکلیف را حتی در شبهات هم توجیه می‌کند. (همان، ۳، ۲۸)

احتمال وجود تکلیف پیش از فحص سبب تنجز آن می‌شود و به حکم عقل، عدم فحص درجائی که عادتاً تکلیف با فحص معلوم می‌شود، خارج شدن از طریق بندگی است و لذا حکم برائت عقلی و قبح عقاب بلا بیان تنها پس از انجام فحص مترتب می‌شود و حکم برائت شرعی نیز به دلیل آیه نفر و حدیث معروف "چرا یاد نگرفتی" پس از وجوب فحص مترتب می‌شود. (خمینی، تحریرات فی الاصول، ۲۹۶، ۵-۲۹۱)

نیز در بحث وجوب تعلم احکام و درمبحث اجتهاد و تقلید مطرح شده: بر هر مکلفی چه در واجبات و چه در معاملات، واجب است که یا مجتهد باشد و یا مقلد و یا محتاط و چنین وجوبی به مناط وجوب دفع ضرر محتمل، واجب به وجوب عقلی است و ترک همه جایگزین‌ها احتمال ضرر را در پی دارد و عقل انتخاب یکی از آنها را لازم می‌داند. (حکیم، مستمسک العروه، ۶، ۱) لذا مکلفی که هر سه عمل را ترک کند، عقلاً اعمالش باطل است و وجوب انجام یکی از جایگزین‌ها وجوب عقلی است زیرا از این جهت که مقدمه شرعاً واجب نیست، وجوب غیرى ندارد و از این جهت که معنائی برای منجزیت و معذوریت واجب نیست، وجوب طریقی ندارد و ز این جهت که تعلم احکام تنها به جهت طریقی به عمل کردن است، وجوب نفسی ندارد و حدیث "چرا یاد نگرفتی" آن را تأیید می‌کند. (خوئی، کتاب الاجتهاد و التقليد من التنقیح فی شرح العروه الوثقی، ۳۰۱) و لذا ترک احتیاط در شبهات بدوی قبل از فحص و اقدام غیر منطبق با واقع تجری را شکل می‌دهد.

### ششم: انجام مقدمه حرام

وقتی شخص مقدماتی را برای وصول به حرام فراهم می‌کند، مع الوصف عمل او منتهی به فعل حرام نمی‌شود. در این وضعیت او مرتکب عملی شده است که ممکن بود به حرام واصل شود ولی فعلاً این اتفاق حاصل نشده است، اما از آنجاکه این اقدام در راستای انجام حرام است اقدامی متجربانه به حساب می‌آید. مثل اقدام به تهیه و خرید مسکرات وقتی موفق به این کار نشود.

فقهای اهل سنت از آن به فتح و سد ذرائع تعبیر کرده‌اند و منظور از آن به حکم عقل تمسک به رسائل و یا جلوگیری از وسیله توصل جستن به چیزی است که در جهت رسیدن به

مصلحت شرعی و یا مفسده شرعی به کار گرفته می‌شود. (حکیم، اصول العامه للفقہ المقارن، ۴۰۷ -

موسوی بجنوردی، فقه تطبیقی بخش جزایی، ۱۱۲) *Archive of SID*

این مسأله از این جهت که می‌تواند به جواز یا عدم جواز اقدامات مباح و حلالی بپردازد که وسیله انجام عمل حرام قرار می‌گیرد هر چند به تحقق فعل حرام منجر نمی‌شود می‌تواند شکل دهنده تحت تجرری قرار بگیرد مثل فروش انگور به کسی که از آن شراب درست می‌کند و یا فروش سلاح به مجرم آدم‌کش و یا اجاره منزل به کسی که عمل نامشروع انجام دهد درجائی که عمل حرام انجام نشود.

### هفتم: ترک مقدمه واجب

در جائی که شخص برای ترک فعل واجب، مقدمه یا مقدماتی را ترک کند با فرض این که این ترک منتهی به ترک واجب نشود، نفس چنین اقدامی تجرری به حساب می‌آید. زیرا به حکم عقل و وجدان، لازمه ترک مقدمات ترک ذوالمقدمه است و مثلاً در واجب شدن نذر بر فرد، عمل به انجام مقدمات آن نذر لازم است و ترک مقدمه مستلزم ترک نذر و فعل حرام می‌گردد. اگر معلوم شود چنین نذری بر او واجب نبوده، اقدام به ترک مقدمات تجرری محسوب می‌شود. حکم عقلی یا شرعی به انجام مقدمات ایجاب می‌کند او نسبت به انجام مقدمات اقدام کند و لذا ترک این وظیفه درجایی که به ترک واجب نینجامد رفتاری است متجربانه. مثل انجام ندادن غسل به جهت ترک نماز و یا ترک طی طریق با قطع به استطاعت در حالی که مستطیع نباشد و مثل جایی که فردی با ترک مقدمه واجب خلاف احتیاط عمل کند و درجایی که موظف به خواندن نماز به چهار جهت باشد و به علت تأخیر در خواندن نماز تنها اکتفا به نماز خواندن در یک جهت کند اگرچه معلوم شود که اقدامش به ترک واجب منجر نشده است. (رازی اصفهانی، هدایه المسترشدين، ۳۵۹ و ۳۶۰)



موافقت به واقع و اقدام بر خلاف احتیاط در ترک عمل هر چند غیر مطابق باشد، حاصل می‌شود. تنها در فرض اشتباه اتفاق نمی‌افتد بلکه در اقدام غیر اشتباهی متجری هم حاصل می‌شود چه از اقدام خود منصرف شود و عمل را ترک کند که تا پیش از انصراف متجری است و چه تا آخرین لحظه از اقدام خود منصرف نشود و قصد انجام عمل را دارد هر چند در اثر عوامل خارجی موفق به انجام عمل نمی‌شود. همچنین تنها در مخالفت با قطع تجلی نمی‌کند بلکه مخالفت با حجت در اقدام غیر مطابق تجری را شکل می‌دهد چه مخالفت با قطع باشد چه مخالفت با اماره و اصل عملی و چه مخالفت با علم اجمالی باشد و چه مخالفت با ترک احتیاط پیش از فحص.

## فهرست منابع:

۱. آشتیانی، محمد حسن، **کتاب القضا**، منشورات دار الهجره، قم، ۱۴۰۴ ق، چاپ دوم.
۲. ابن اثیر، مبارک بن محمد جزری، **النهایه فی غریب الحدیث**، تحقیق طاهر احمد زاوی و محمود محمد طناحی، موسسه اسماعیلیان، قم، ۱۳۶۴ ش، چاپ چهارم.
۳. ابن منظور، محمد، **لسان العرب**، دار احیاء التراث العربی، نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵، چاپ اول.
۴. انصاری، مرتضی، (شیخ انصاری)، **احکام الخلل فی الصلوه**، المؤتمر العالمی بمناسبه الذکری المئویه الثانیه لمیلاد الشیخ الانصاری، قم، ۱۴۱۳.
۵. \_\_\_\_\_، **فرائد الاصول**، مجمع فکر اسلامی، قم، ۱۴۱۹ ق، چاپ اول.
۶. ابن سکیت، یعقوب بن اسحق الخوزی الدورقی الاهوازی، **ترتیب اصلاح المنطق**، ترتیب و تعلیق محمد حسن بکائی، مجمع بحوث اسلامی، مشهد، ۱۴۱۲ ق، چاپ اول.
۷. اردبیلی، احمد، **مجمع الفائده و البرهان**، تحقیق مجتبی عراقی، علی پناه اشتهاردی، حسین یزدی اصفهانی، موسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۴، چاپ اول.
۸. حسینی روحانی، سید محمد صادق، **زبده الاصول**، مدرسه الامام الصادق (ع)، بی‌جا، ۱۴۱۲ ق، چاپ اول.
۹. حکیم، سید محمد تقی، **اصول العامه للفقہ المقارن**، مؤسسه آل‌البیت، ۱۳۵۸ ش، چاپ دوم.
۱۰. [www.SID.ir](http://www.SID.ir) (پایه علمی)، **اصول الاستنباط**، دار السیره، ۱۴۱۸، چاپ اول.
۱۱. خمینی، روح‌الله (امام)، **الاجتهاد و التقلید**، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۶، چاپ اول.

۱۲. خمینی، روح الله (امام) ، انوار الهدایه فی التعلیقہ علی الکفایہ ، مؤسسہ تنظیم و نشر آثار امام خمینی، قم ، ۱۴۱۳ ق، چاپ اول.

## Archive of SID

۱۳. خمینی، مصطفیٰ، تحریرات فی الاصول ، مؤسسہ تنظیم و نشر آثار امام خمینی ، قم ، ۱۴۱۸ ق، چاپ اول.

۱۴. خوبی سید ابو القاسم، کتاب الاجتهاد و التقليد عن التنقیح فی شرح العروه الوثقی، دار الہادی مطبوعات ، قم ، ۱۴۱۰ ق، چاپ سوم.

۱۵. \_\_\_\_\_ ، مصباح الاصول، تقریرات سید محمد سرور الواعظ الحسینی بهسودی، داوری ، ۱۴۱۷ ق، چاپ پنجم.

۱۶. رازی، محمد بن ابی بکر بن عبدالقادر ، مختار الصحاح ، تحقیق احمد شمس الدین ، دار الکتب العلمیہ ، بیروت ، ۱۴۱۵ ق، چاپ اول.

۱۷. رازی نجفی اصفهانی، محمد تقی بن عبدالرحیم (ایوان کیفی)، ہدایہ المسترشدین فی شرح معالم الدین، مؤسسہ نشر اسلامی ، قم ، ۱۴۲۰ ق.

۱۸. روزدری، مولاعلی ، تقریرات آیت الله مجدد شیرازی ، موسسہ آل البیت لاحیاء التراث ، قم ، ۱۴۱۴، چاپ اول .

۱۹. زبیدی، محمد مرتضی بن محمد ، تاج العروس من جواهر القاموس، دار الفکر ، بیروت ، ۱۴۱۴.

۲۰. زین الدین، محمد امین ، کلمہ التقوی ، ناشر سید جواد وداعی ، بی جا ، ۱۴۱۴، چاپ دوم .

۲۱. صدر، سید محمد باقر ، بحوث فی شرح العروه الوثقی ، آداب ، بی جا ، بی تا، چاپ اول.

۲۲. \_\_\_\_\_ ، دروس فی علم الاصول ، دارالکتب اللبنانی ، ۱۴۰۶ ق، چاپ دوم.

۲۳. طباطبائی بروجردی، سید حسین، لمحات الاصول، تقریرات امام خمینی، موسسہ تنظیم و نشر آثار امام خمینی ، قم ، ۱۳۷۹، چاپ اول .

۲۴. طباطبائی حکیم، سید محسن، حقائق الاصول، مکتبہ بصیرتی، قم ، ۱۴۰۸ ق، چاپ پنجم.

۲۵. \_\_\_\_\_ ، مستمسک العروه ، منشورات مکتبہ مرعشی نجف، ۱۳۸۸ ق .

۲۶. فیض، علیرضا ، مقارنہ و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلامی ، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، ۱۳۷۶، چاپ چهارم.

۲۷. \_\_\_\_\_ ، مقالات حقوقی ، دانشگاہ تهران ، ۱۳۷۸، چاپ سوم.

۲۸. مظفر محمدرضا ، اصول الفقہ ، انتشارات جهان ، دار النعمان نجف ، ۱۳۸۶ ق، چاپ دوم.



۲۹. مشکینی، علی ، **اصطلاحات الاصول** ، دفتر نشر هادی، بی جا ، ۱۴۱۳ ق، چاپ پنجم.
۳۰. موسوی بجنوردی سید حسن ، **منتهی الاصول**، مؤسسه العروج ، ۱۳۷۹ ش. ۳، چاپ اول
۳۱. موسوی بجنوردی، سید محمد ، **علم اصول**، مؤسسه عروج ، ۱۳۷۹، چاپ اول .
۳۲. \_\_\_\_\_ ، **فقه تطبیقی بخش جزایی** ، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، چاپ اول .
۳۳. نائینی اصفهانی، محمد حسین ، **اجود التقریرات** ، تقریرت سید ابوالقاسم خوئی ، مصطفوی ، ۱۳۶۸ ش، چاپ دوم.
۳۴. \_\_\_\_\_ ، **فوائد الاصول** ، تقریرات محمد علی کاظمینی خراسانی ، تعلیقه ضیاء الدین عرافی مؤسسه نشر اسلامی ، قم ، ۱۴۰۹ - ۱۴۰۴ ق.
۳۵. همدانی، رضا، **مصباح الفقیه**، انتشارات مکتبه النجاه ، تهران ، چاپ سنگی ، بی تا.